

(مقاله پژوهشی)

بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی قرآن کریم

امیر حسین سلطانی فلاح^۱، محمد باقری دادوکلائی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی قرآن کریم می‌باشد. روش پژوهش حاضر تحلیلی- توصیفی است و با استفاده از شیوه تحلیل محتوا مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در آیات جزء ۳۰ قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته‌اند. جامعه پژوهش قرآن کریم و نمونه پژوهش حاضر جزء ۳۰ قرآن می‌باشد. به دلیل حساسیت موضوع تمامی ۳۷ سوره و تک تک آیات مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که سه مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی به ترتیب با ۴۳، ۲۰۱، ۲۶۵ مورد بیش‌ترین فراوانی را داشته‌اند. همچنین بیشترین فراوانی را سوره نازعات با ۴۵ مورد و کمترین فراوانی را سوره اخلاص با ۴ مورد از هر سه مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی را دارند. در بحث هستی‌شناسی سوره نبا با فراوانی ۲۹ بیشترین مورد و سوره‌های کافرون و ماعون بدون فراوانی هستی‌شناسی کمترین مورد را دارا می‌باشند. در بحث معرفت‌شناسی نیز سوره بلد با فراوانی ۷ بیشترین مورد و سوره‌های کوثر، کافرون، نصر، نبا، ناس، مسد، لیل، قریش، قدر، فیل، فلق، غاشیه، عصر، عادیات، ضحی، شمس، زلزله، اعلی و اخلاص بدون فراوانی کمترین مورد را دارند و آخرین مورد که مربوط به انسان‌شناسی می‌باشد با توجه به یافته‌های پژوهش بیشترین فراوانی را سوره نازعات با ۲۱ مورد و سوره‌های اخلاص، فلق، تکاثر و فیل بدون فراوانی کمترین مورد را دارا می‌باشند. با توجه به یافته‌های می‌توان نتیجه گرفت که در جزء ۳۰ قرآن کریم، بیشتر تاکید بر مسائل هستی‌شناسی و انسان‌شناسی علی‌الخصوص هستی‌شناسی‌شناسی می‌باشد و معرفت‌شناسی کمترین تاکید بر آن شده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، جزء سی، مبانی فلسفی، تعلیم و تربیت

ah.soltani.f@gmail.com

^۱. دانشجوی دکترای رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد، تهران.

mohammadbagheridd19@gmail.com

^۲. دانشجو کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، ساری.

(۱) مقدمه

امروزه در اغلب کشورها تعلیم و تربیت به عنوان صنعت رشد قلمداد میشود. در عصر ما قدرت و توانایی بالقوه تعلیم و تربیت جهت ترقی و پیشرفت، آشکار شده است. کشورهای که آگاهانه، تعلیم و تربیت را به خدمت گرفته‌اند موفق شده‌اند در رسیدن به هدف‌های خود این قدرت را بالفعل سازند و تغییرات مطلوب را در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به وجود آورند. البته هدف کلی تعلیم و تربیت در هر جامعه این است که افراد آن طبق الگو، اعتقادات، ارزش‌های فرهنگی، دینی، اجتماعی و سیاسی جامعه بار آمده، به اعضای مفید و شایسته مبدل شوند (امینی خلف لو، ۱۳۹۷).

حال این پرسش پیش می‌آید چگونه می‌توان در جمهوری اسلامی ایران افراد را طبق الگو و اعتقادات جامعه تربیت نمود؟ در کشور جمهوری اسلامی ایران اعتقادات و دین و ارزش‌های جامعه بر اساس و پایه آموزه‌های اسلامی بنا شده است؛ لذا پیروی از دستورات خداوند متعال لازم و ضروری می‌باشد. خدای متعال برای اینکه مردم را به راه و رسم زندگی الهی هدایت کند و اخلاق و تربیت آنها را پرورش دهد، قرآن را نازل فرموده و در آن از شیوه‌های تربیتی گوناگونی استفاده کرده است. با آمدن اسلام که دین تربیت انسان‌هاست؛ موضوع تربیت انسان به صورت مستقیم و غیر مستقیم در سر تا سر آیات قرآن مطرح شده است (کامیاب، ۱۳۹۷). لذا می‌توان گفت در یک کشوری مانند جمهوری اسلامی ایران اگر بنا باشد افراد را مطابق ارزش‌های جامعه تربیت نمود، باید آموزه‌های قرآنی که دستورات صریح خداوند متعال در آن بیان شده است مدنظر قرار گرفته شود. یکی از منابع اصلی تضمین برای هدایت درست فعالیت‌های جاری در قلمرو تعلیم و تربیت، چهارچوب فکری است که از آن به «فلسفه یا مبانی تعلیم و تربیت» یاد می‌شود. از کوچک ترین تا بزرگ ترین تصمیمات در حوزه تعلیم و تربیت، از جمله اهداف، محتوا، نوع سازمان‌دهی، روش‌های یاددهی، یادگیری و ارزشیابی، همه مبتنی بر مبانی‌اند (حمیدزاده و همکاران، ۱۳۹۵)؛ لکن کدام مبانی؟ کدام مبانی باید متکی بر آموزه‌های قرآنی باشند و دلالت‌های تربیتی را با توجه به آنها از آیات قرآنی استخراج کرد؟ با توجه به این‌که یکی از موضوعات مهم در حوزه تعلیم و تربیت، ارتباط تنگاتنگ تعلیم و تربیت با ایدئولوژی و

بنیان‌های نظری است؛ تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای بر اساس اصول و مبانی معرفتی خود هدف‌گذاری می‌کند؛ آیا می‌توان بدون لحاظ مفروضات یا مبانی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی، برنامه و هدف مناسبی از تعلیم و تربیت داشت؟ این پرسش هنگامی جدی‌تر می‌شود که می‌بینیم در صفحه به صفحه، آیه به آیه قرآن کریم موضوعات معطوف به این سه مبانی یعنی انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی می‌باشد. اهمیت این موضوع باز از جای دیگر مشخص خواهد شد که رهبر انقلاب اسلامی در این رابطه نیز تصریح فرموده اند که «علوم انسانی ما بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. مبنا باید مبنای قرآنی باشد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸).

بنا بر مساله یاد شده دغدغه اصلی این پژوهش واکاوی تعلیم و تربیت دینی با استفاده از آیات قرآنی و به وسیله ارائه مبانی معرفت‌شناسی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم است. بدین منظور سعی بر آن شده است تا در این پژوهش به مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء ۳۰ قرآن کریم پرداخته شود.

پژوهش‌های بسیاری در مشابه این موضوع صورت گرفته است. غلامی و مریوانی (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان نگاهی به مبانی تعلیم و تربیت دانش‌آموزان با نیازهای ویژه از منظر قرآن به این نتیجه رسیده‌اند که برای هریک از مبانی تعلیم و تربیت دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، آیات بسیاری در قرآن کریم آمده است و آموزش و پرورش با نیازهای ویژه امروزه با حرکت در جهت آموزش فراگیر بسیار با آموزه‌های این کتاب آسمانی هم‌راستا است. ایمانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان نگرشی تطبیقی بر مبانی انسان‌شناسی تعلیم و تربیت از دیدگاه هایدگر و صدرالمألهین به این نتیجه رسیده‌اند که از سویی نقطه آغازین مباحث انسان‌شناسی در اندیشه هر دو شخصیت، سلسله مباحث هستی‌شناسی است؛ از سوی دیگر، هر دو اندیشمند با نگرش وجودی به نقد تعریف مشهور انسان به «حیوان ناطق» پرداخته‌اند.

رشیدی (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان مبانی و آثار تربیت انسان منظم از منظر فلسفه تعلیم و تربیت قرآن بنیان به این نتیجه رسیده است که مبانی فلسفی تربیت انسان منظم

شامل مبانی عام خداشناختی (وجود ناظم و وحدت ناظم)، هستی‌شناختی (آفرینش منظم و مرحله‌مند جهان)، دین‌شناختی (تقدم نزول آیات مکی بر آیات مدنی، نظم درونی آیات، نظم در تشریح و تقدم ایمان بر عمل صالح) و مبانی خاص انسان‌شناختی (آفرینش منظم و مرحله‌مند انسان و نظم‌شناسی فطری) اشاره کرد. براساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت آثار تربیت انسان منظم شامل دو دسته آثار نظری (تقدم و تأخر در مراحل تفکر و دوران‌دیشی) و آثار عملی (برنامه‌ریزی، احترام به قانون و مقررات، وقت‌شناسی و...) است.

شمس مفرحه و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل مفهوم، مبانی، اهداف و اصول عدالت تربیتی از منظر شهید مطهری به این نتیجه رسیده‌اند که در صورت‌بندی مفهوم عدالت تربیتی از منظر شهید مطهری می‌توان به فرصت‌های آموزشی برابر، رعایت حقوق و استحقاق افراد باتوجه به تلاش و استعداد‌های متریبان، جبران کمبودهای متریبان نیازمند توجه خاص، تلازم استعداد و وظایف متریبان اشاره نمود. مهم‌ترین مبانی عدالت تربیتی عبارت است از: ۱. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت، مصداق برخورداری از فیض عام خداوند است؛ ۲. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت یکی از جلوه‌های توازن در هستی به منزله اصل حاکم بر جهان آفرینش است؛ ۳. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت، جنبه‌ای از تحقق عدالت فردی است؛ ۴. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی است؛ ۵. تعلیم و تربیت مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز رشد فطریات انسانی است؛ ۶. تعلیم و تربیت مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز رشد کرامت انسانی است؛ ۷. تعلیم و تربیت ابزار اصلی رشد تعقل و اراده به عنوان ویژگی‌های ایجادکننده کرامت انسانی است؛ ۸. تعلیم و تربیت ابزار رشد ارزش‌های اخلاقی است؛ ۹. تعلیم و تربیت زمینه‌ساز سعادت انسانی است، همچنین اصل آموزش همگانی، اصل فردیت در آموزش، اصل پرورش فطریات، اصل پرورش کرامت و اصل سعادت از مهم‌ترین اصول برآمده از آرای شهید مطهری است.

حیبی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه آیت الله جوادی آملی به این نتیجه رسیده است که توجه به گستردگی مباحث مبانی تعلیم و تربیت، ناگزیر از گزینش برخی مبانی بودیم؛ یعنی مبانی معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی. بخش مبانی معرفت‌شناختی دربارهٔ چند مبنا از جمله حداکثری بودن دین و شمول آن نسبت به حوزه

تعلیم و تربیت، اعتبار یافته‌های عقل و معتبر بودن داده‌های علوم انسانی تجربی است. بخش مبانی انسان‌شناختی نیز دربارهٔ دوبعدی بودن انسان، حی متأله بودن انسان، کرامت انسان و خلافت الهی است. جامعیت علمی استاد از یک طرف، توجه به مسائل نوظهور در حوزه‌های مختلف از جمله تربیت از طرف دیگر و موضع‌گیری در حیطه‌های متنوع مرتبط با مبانی تعلیم و تربیت، زمینهٔ مساعدی را برای گردآوری، تنظیم مبانی و مسائل تربیتی و طراحی نظام تربیتی از دیدگاه ایشان فراهم کرده است.

۲) مفهوم شناسی

۲-۱) تربیت قرآنی: با مراجعه به آیات قرآن در ذیل، مشتقات واژه‌ی «تربیت» از ریشه‌ی

«ربو» را درباره‌ی انسان، که در دو آیه به کار رفته است، بررسی میکنیم:

۱. «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» و بگو بارپروردگارا، آنها را مشمول رحمت

خویش قرار ده، همان‌گونه که در کودکی مرا تربیت کرده‌اند (اسراء، ۲۹). کلمه‌ی «خفَض» جناح (پر و بال گستردن) کنایه است از مبالغه در تواضع و خضوع زبانی و عملی و این معنا از صحن‌های گرفته شده است که جوجه بال و پر خود را باز می‌کند تا مهر و محبت مادر را تحریک نموده، او را به فراهم ساختن غذا و ادار سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴).

«وَ اخْفِضْ لَهُمَا؛ و فرو گذار برای ایشان»، «جَنَاحَ الدُّلِّ؛ بال تواضع و فروتنی را»، به

این معنا که با ایشان تکبر مکن و ملایمت و رعایت بکن، «مِنَ الرَّحْمَةِ؛ از روی رقت قلب

و فرط بخشش»، «وَقُلْ؛ و بگو در مقام دعا به ایشان»، «رَبِّ ارْحَمْهُمَا؛ ای پروردگار من،

ترحم کن و ببخش ایشان را»، «كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ مانند آن رحمی که ایشان در وقت

تربیت کردن من در حال طفولیت و نادانی با من کرده‌اند». و بعضی گفته‌اند که: کاف در

«كَمَا رَبَّيَانِي» به معنای «علی» است، «ای وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا عَلِي مَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ بگو

ای پروردگار من، رحم کن بر والدین من بر مزد تربیتی که مرا در حالت طفولیت و نادانی

کرده‌اند (تفسیر هدایت). کلمه‌ی «صغیر» در آیه‌ی مزبور، به معنای کوچک در مقابل کلمه‌ی

کبیر، به معنای بزرگ است. به قرینه‌ی کلمه‌ی «صغیر» در آیه‌ی شریفه، مراد از «ربّیانی»، بزرگ

کردن و رشد و نمو جسمانی فرزند به دست پدر و مادر و قرینه برای آن که تربیت در این

آیه، به معنای رشد و نمو جسمی و معادل فارسی آن بزرگ کردن می باشد.

۲. «أَلَمْ نُزَكِّكْ فِينَا وَلِيداً وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ؛ آیا ما تو را در کودکی بزرگ نکردیم، در حالی که چندین سال از عمرت را در بین ما سپری کردی؟» (شعراء، ۱۸).
 فرعون زبان به سخن گشود و با جمله هایی حساب شده و در عین حال شیطنت آمیز، برای نفی رسالت آنها کوشید. نخست رو به موسی کرد و چنین گفت: «آیا ما تو را در کودکی در دامان مهر خود پرورش ندادیم؟! تو را از آن امواج خروشان و خشمگین نیل که وجودت را به نابودی تهدید می کرد، گرفتیم و دایه ها برایت دعوت کردیم و از قانون مجازات مرگ فرزندان بنی اسرائیل معاف نمودیم و در محیطی امن و امان در ناز و نعمت پرورش یافتی و پس از آن نیز سال های متمادی از عمرت در میان ما بودی!» «قَالَ أَلَمْ نُزَكِّكْ فِينَا وَلِيداً وَ لَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ». این جمله استفهام انکاری است و توبیخ و سرزنش را می رساند و کلمه ی «نربک» صیغه ی مع الغیر از مضارع تربیت است و کلمه ی «ولید» به معنای کودک است.

مفسران، گفتار فرعون، یعنی جمله «أَلَمْ نُزَكِّكْ» را به دو اعتراض تجزیه و تحلیل کرده اند:

یکی اینکه او را در کودکی تربیت کرده است (همان منبع).

روشن است که مقصود فرعون از واژه ی «الم نربک»، نمی تواند کمال روحی، دینی و اخلاقی حضرت موسی باشد. حاصل این که کلمه ی «تربیت» از ریشه ی ثانوی «ربو» درباره ی انسان، به معنای «تربیت بدنی و رشد و نمو جسمانی متربی» است (باقری، ۱۳۹۹).

۲-۲) مبانی: «مبانی» جمع مبنا است و مبنا به معنای بنا و عمارت می باشد و همچنین، به معنای بنیان و اساس آمده است (دهخدا، ۱۳۵۲) و «بنا» به معنای ساختمان است و فعل آن به همین معنا، در قرآن کریم به کار رفته است، مانند: «وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا» (نبا، ۱۲). و «بنیان» نیز به معنای شالوده، بنیاد و بنا آمده است (معین، ۱۳۸۱). و در قرآن، به معنای بنا و ساختمان به کار رفته است، مانند: «لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الْآدِي بُنْيَانًا رَبُّهُمْ فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه، ۱۱۰). مبانی، درباره ی هستی و موقعیت آدمی در جهان هستی، وضعیت مطلوب زندگی انسان و غایت آن، سرمایه ها، امکانات، توانایی ها و ظرفیت ها، ضعف ها و محدودیت ها، و نیز قوانین و سنت ها، ضرورت ها و شرایطی بحث می کند

که حیات انسان و نحوه تحول در آن را همواره تحت تأثیر قرار داده، تصویری از زندگی انسان و نحوه تحول آن به دست می‌دهد که بر اساس آن، همه گزاره‌های تجویزی شکل می‌گیرند (شکوهی، ۱۳۹۲). علامه محمدحسین طباطبایی در تفسیر المیزان چنین آورده است که مبانی تربیت، از ساختار و موقعیت ویژه انسان و امکانات و قابلیت‌ها و محدودیت‌های او، و نیز از ضرورت‌های آفرینش و وجودی انسان که حیات او را تحت تأثیر قرار می‌دهند، سخن می‌گوید (طباطبایی، ۱۳۷۴). بنابراین، به آنچه موجب پیدایش ساختار و پایه‌های هر چیزی می‌گردد، «مبانی» گفته می‌شود و بدین جهت، بنیادهای هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی که تعلیم و تربیت بر آنها استوار است مبانی تربیت خوانده می‌شود.

۲-۳) انسان‌شناسی: مراد از انسان‌شناسی آگاهی دقیق نسبت به ویژگی‌های اوست تا بتوان برنامه عملی صحیحی درباره نظام اخلاقی او ارائه داد. انسان‌شناسی علم به انسان و احوال او در ابعاد کلی و جزئی، فردی و اجتماعی، تئوریک و عملی است. بر این اساس علم انسان‌شناسی حوزه‌های متفاوت و بسیار گسترده‌ای از علوم، فرهنگ تا تاریخ انسان را در برمی‌گیرد. لذا باید ریشه‌های علم انسان‌شناسی را در علوم انسانی، هنر، علوم تجربی و علوم اجتماعی جستجو کرد. شناخت ماهیت انسان بر اساس علم انسان‌شناسی جدید نیازمند شناخت انسان‌ها و جوامع فعلی و قبلی است، از این‌رو انسان‌شناسی در ذات خود علمی مقایسه‌ای و بین فرهنگی است (ناصح و اسدی، ۱۳۹۵). انسان‌شناسی از این اصل پایه‌ای حرکت می‌کند که نوع بشر دارای یگانگی است. به عبارت دیگر انسان‌شناسی، انسان را به مثابه موجودی واحد بررسی می‌کند. نخستین موضوعات اجتماعی که مورد مطالعه انسان‌شناسی قرار گرفت، جوامعی بودند که به زبان خاص تطورگرایان جوامع باستانی یا ابتدایی نامیده می‌شدند. آنان بر این باور بودند که جوامع مزبور به نسبت جوامع متمدن و پیشرفته از اصالت و شفافیت بیشتری برخوردارند. در مرحله بعد انسان‌شناسی به‌طور عام‌تری به تمامی گوناگونی‌های فرهنگی و اجتماعی انسان‌ها پرداخت و پنداره‌هایی همچون پیشرفت پیوسته انسانیت و برتری نوعی از تمدن بر تمدن‌های دیگر را زیر سؤال برد، و سرانجام انسان‌شناسی در آخرین مرحله یعنی در دوره استعمارزدایی رابطه و ترتیبی جدید برای مناسبات میان فرهنگ‌ها پیشنهاد کرد (ریور، ۱۳۷۹).

۴-۲) هستی‌شناسی: منظور از مبانی هستی‌شناختی، آن دسته از گزاره‌های سلبی و ایجابی از قرآن کریم است که تصویر کلی از جهان هستی به دست می‌دهد و تعریف جامع و مانعی از عالم خلقت ارائه می‌کند (شریفی، ۱۳۹۹).

هستی‌شناسی مطالعه فلسفی طبیعت هستی، شدن، وجود یا حقیقت است؛ همچنین به عنوان پایه مقولات وجود و روابطشان. هستی‌شناسی که به طور سنتی به عنوان بخشی از شاخه‌های عمده از فلسفه، یعنی متافیزیک شناخته می‌شود، اغلب با سوالاتی از قبیل اینکه چه چیزهایی وجود دارند یا ممکن است گفته شود وجود دارند و اینکه چگونه چنین اشیایی ممکن است در یک سلسله مراتب گروه‌بندی شوند و طبق شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان تقسیم‌بندی شوند. اگرچه هستی‌شناسی به عنوان یک امر فلسفی به شدت فرضی است، همچنین در علم اطلاعات و تکنولوژی کاربردهایی مانند مهندسی هستی‌شناختی دارد. یک تعریف بسیار ساده از هستی‌شناسی این است که بینیم کلمه «چیز» در بافت چه معنایی دارد.

۵-۲) معرفت‌شناسی: منظور از معرفت‌شناسی، بخشی از مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی و تبیینی درباره شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است، که از یک سو با انسان‌شناسی و از سوی دیگر با هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی مرتبط می‌شود (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۷). معرفت‌شناسی گزاره‌هایی توصیفی یا اخباری است که محمول‌های خاصی را برای موضوع اصلی این گزاره‌ها، یعنی امکان و میزان شناخت انسان، اثبات می‌کند (بهشتی، ۱۳۸۵). لکن در این پژوهش، علمی است که به بررسی انواع شناخت انسان، چگونگی پیدایش شناخت، و ارزش و اعتبار آن می‌پردازد؛ بنابراین، گزاره‌های توصیفی و تبیینی معرفت‌شناسی، از یک سو با انسان‌شناسی، و از سوی دیگر با هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی مرتبط‌اند.

۳) روش تحقیق

تحلیل محتوا روشی است که به منظور دستیابی به ویژگی‌های مختلف پیام، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های صادرکننده پیام و آثار آن، برای تجزیه و تحلیل عینی و منظم پیام‌های مختلفی که از طرق گوناگون مبادله می‌شوند، به کار می‌رود. مزیت‌های خاص این روش عبارتند از استناد دقیق و استفاده آسان به طوری که به‌کارگیری آن به تخصص ویژه‌ای نیاز ندارد و

بخش عمده‌ای از اطلاعات لازم برای شناسایی در آن جمع آوری شده است (کرپندورف، ۱۳۷۸). در حقیقت تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنی پیدا میکند که آن متن برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم معینی نوشته شده باشد و دارای ماهیتی مشخص باشد؛ پیام‌هایی که توسط متن منتقل می‌شود می‌تواند دارای معانی مختلفی باشد لذا به واسطه تحلیل محتوا باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها به صورت نظام‌مند بوده و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت میکنند (جانی‌پور، ۱۳۹۰). بنابراین از آنجا که روش تحلیل محتوا، روشی علمی برای تفسیر متن است و نتایج به دست آمده از طریق آن دارای اعتبار و روایی بالایی است، این تحقیق بر آن شد تا با استفاده از این روش، به تحلیل مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در آیات جزء ۳۰ قرآن کریم پرداخته شود. جامعه پژوهش قرآن کریم و نمونه پژوهش حاضر جزء ۳۰ قرآن می‌باشد. به دلیل حساسیت موضوع تمامی ۳۷ سوره و تک تک آیات مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌است که در جداول زیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول ۱: بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی ام قرآن

نام سوره	مبانی هستی‌شناسی (شماره آیه)	مبانی انسان‌شناسی (شماره آیه)	مبانی معرفت‌شناسی (شماره آیه)
اخلاص	بگو اوست خدای یگانه (۱) خدای صمد [ثابت متعالی] (۲) [کسی را] نزاده و زاده نشده است (۳) و هیچ کس او را هم‌تا نیست (۴)	-----	-----
اعلی	همان که آفرید و هماهنگی بخشید (۲) و آنکه اندازه‌گیری کرد و راه نمود (۳) و آنکه چمنزار را برآورد (۴) و پس [از چندی] آن را خاشاکی تیره گون گردانید (۵) جز آنچه خدا خواهد که او آشکار و آنچه را که نهان است می‌داند (۷) و برای تو آسانترین [راه] را فراهم می‌گردانیم (۸) با آنکه [جهان] آخرت نیکوتر و	نام پروردگار والای خود را به پاکی بستای (۱) ما بزودی [آیات خود را به وسيله سروش غیبی] بر تو خواهیم خواند تا فراموش نکنی (۶) پس پند ده اگر پند سود بخشد (۹) آن کس که ترسد بزودی عبرت گیرد (۱۰) و نگون‌بخت خود را از آن دور می‌دارد (۱۱)	-----

	همان کس که در آتشی بزرگ در آید(۱۲) رستگار آن کس که خود را پاک گردانید(۱۴) و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد(۱۵) لیکن [شما] زندگی دنیا را بر می گزینید(۱۶)	پایدارتر است(۱۷) آنگاه نه در آن می میرد و نه زندگانی می یابد(۱۳)	
-----	-----	مگر ندیدی پروردگارت با پیلداران چه کرد(۱) آیا نیرنگشان را بر باد نداد(۲) و بر سر آنها دسته دسته پرندگانی ابابیل فرستاد(۳) [که] بر آنان سنگ‌هایی از گل [سخت] می افکندند(۴) و [سرانجام خدا] آنان را مانند کاه جوییده شده گردانید(۵)	فیل

ادامه جدول ۱: بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی ام قرآن

نام سوره	مبانی هستی شناسی(شماره آیه)	مبانی انسان شناسی(شماره آیه)	مبانی معرفت شناسی (شماره آیه)
انشقاق	آنگاه که آسمان زهم بشکافتد(۱) و پروردگارش را فرمان برد و [چنین] سزد(۲) و آنگاه که زمین کشیده شود(۳) و آنچه را که در آن است بیرون افکند و تهی شود(۴) و پروردگارش را فرمان برد و [چنین] سزد (۵) آری در حقیقت پروردگارش به او بینا بود (۶) بزودی اش حسابی بس آسان کنند(۸) و در آتش افروخته درآید(۱۲) سوگند به شب و آنچه [شب] فروپوشاند (۱۷) سوگند به ماه چون [ب در] تمام شود(۱۸) و خدا به آنچه در سینه دارند داناتر است (۲۳)	انسان حقا که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد(۶) اما کسی که کارنامه اش به دست راستش داده شود(۷) و شادمان به سوی کسانش باز گردد(۹) و اما کسی که کارنامه اش از پشت سرش به او داده شود(۱۰) زودا که هلاک [خویش] خواه (۱۱) او در [میان] خانواده خود شادمان بود(۱۳) و چون بر آن قرآن تلاوت می شود چهره بر خاک نمی ساید (۲۱) [نه] بلکه آنان که کفر ورزیده اند	پس چرا آنان باور نمی‌دارند (۲۰) او می پنداشت که هرگز برنخواهد گشت(۱۴)

	تکذیب می کنند(۲۲) مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند که آنان را پاداشی بی‌منت خواهد بود(۲۵)	پس آنان را از عذابی دردناک خبر ده (۲۴)	
-----	-----	بگو پناه می برم به پروردگار سپیده دم(۱) از شر آنچه آفریده(۲) و از شر تاریکی چون فراگیرد(۳) و از شر دمنندگان افسون در گره ها(۴) و از شر [هر] حسود آنگاه که حسد ورزد (۵)	فلق
-----	و از شب قدر چه آگاہت کرد (۲)	ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم (۱) در آن [شب] فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند(۴)	قدر
-----	پس باید خداوند این خانه را پپرستند (۳)	الفتنشان هنگام کوچ زمستان و تابستان [خدا پیلداران را نابود کرد](۲) همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد (۴)	قریش

ادامه جدول ۱: بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی ام قرآن

نام سوره	مبانی هستی شناسی (شماره آیه)	مبانی انسان شناسی (شماره آیه)	مبانی معرفت شناسی (شماره آیه)
انفطار	آنگاه که آسمان زهم بشکافد(۱) و آنگاه که اختران پراکنده شوند(۲) و آنگاه که دریاها از جا برکنده گردند(۳) و آنگاه که گورها زیر و زبر شوند(۴) همان کس که تو را آفرید و [اندام] تو را درست کرد و [آنگاه] تو را سامان بخشید (۷) و به هر صورتی که خواست تو را ترکیب کرد (۸) و قطعاً بر شما نگهبانانی [گماشته شده]اند (۱۰) [فرشتگان] بزرگواری که نویسندگان [اعمال شما] هستند(۱۱) آنچه را می کنید می دانند(۱۲)	هر نفسی آنچه را پیش فرستاده و بازپس گذاشته بداند(۵) ای انسان چه چیز تو را در باره پروردگار بزرگواریت مغرور ساخته(۶) روزی که کسی برای کسی هیچ اختیاری ندارد و در آن روز فرمان از آن خداست(۱۹)	و تو چه دانی که چیست روز جزا(۱۷) باز چه دانی که چیست روز جزا(۱۸) با این همه شما منکر [روز] جزایید(۹)

		قطعا نیکان به بهشت اندرند(۱۳) و بی شک بدکاران در دوزخند(۱۴) روز جزا در آنجا درآیند(۱۵) و از آن [عذاب] دور نخواهند بود(۱۶)	
بروج	سوگند به آسمان آکنده ز برج(۱) و به روز موعود(۲) و به گواه و مورد گواهی(۳) همان آتش مایه دار [و انبوه](۵) همان [خدایی] که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست و خدا[ست که] بر هر چیزی گواه است(۹) آری عقاب پروردگارت سخت سنگین است (۱۲) هم اوست که [آفرینش را] آغاز میکند و بازمی گرداند(۱۳) و اوست آن آمرزنده دوستدار(۱۴) صاحب ارجمند عرش(۱۵) هر چه را بخواهد انجام می دهد(۱۶) با آنکه خدا از هر سو بر ایشان محیط است (۲۰) آری آن قرآنی ارجمند است(۲۱)	آنگاه که آنان بالای آن [خندق به تماشا] نشسته بودند(۶) مرگ بر آدم سوزان خندق(۴) کسانی که مردان و زنان مؤمن را آزار کرده و بعد توبه نکرده اند ایشان راست عذاب جهنم و ایشان راست عذاب سوزان(۱۰)	و خود بر آنچه بر [سر] مؤمنان می آوردند گواه بودند(۷) و بر آنان عیبی نگرفته بودند جز اینکه به خدای ارجمند ستوده ایمان آورده بودند(۸) کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند برای آنان باغهایی است که از زیر [درختان] آن جویها روان است این است [همان] رستگاری بزرگ(۱۱)

ادامه جدول ۱: بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی ام قرآن

نام سوره	مبانی هستی شناسی (شماره آیه)	مبانی انسان شناسی (شماره آیه)	مبانی معرفت شناسی (شماره آیه)
بلد	براستی که انسان را در رنج آفریده ایم (۴) و هر دوراه [خیر و شر] را بدو نمودیم (۱۰) بر آنان آتشی سرپوشیده احاطه دارد(۲۰)	و حال آنکه تو در این شهر جای داری(۲) سوگند به پدری [چنان] و آن کسی را که به وجود آورد(۳) آیا دو چشمش نداده ایم(۸) و زبانی و دو لب(۹) علاوه بر این از زمره کسانی باشد که گرویده و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش کرده اند(۱۷) اینانند خجستگان(۱۸) و کسانی که به انکار نشانه های ما پرداخته اند آنانند ناخجستگان شوم(۱۹)	آیا پندارد که هیچ کس هرگز بر او دست نتواند یافت(۷) و [لی] نخواست از گردنه [عاقبت نگری] بالا رود(۱۱) و تو چه دانی که آن گردنه [سخت] چیست(۱۲) بنده ای را آزاد کردن(۱۳) یا در روز گرسنگی طعام دادن(۱۴) به یتیمی خویشاوند(۱۵)

<p>یا بینوایی خاک‌نشین(۱۶)</p>			
<p>و فرمان نیافته بودند جز اینکه خدا را بپرستند و در حالی که به توحید گراییده اند دین [خود] را برای او خالص گردانند و نماز برپا دارند و زکات بدهند و دین [ثابت و] پایدار همین است(۵)</p>	<p>کافران اهل کتاب و مشرکان دست‌بردار نبودند تا دلیلی آشکار بر ایشان آید(۱) و اهل کتاب دستخوش پراکندگی نشدند مگر پس از آنکه برهان آشکار برای آنان آمد(۴) کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند [و] در آن همواره می‌مانند اینانند که بدترین آفریدگانند(۶) در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند آنانند که بهترین آفریدگانند(۷)</p>	<p>فرستاده ای از جانب خدا که [بر آنان] صحیفه هایی پاک را تلاوت کند(۲) که در آنها نوشته های استوار است(۳) پاداش آنان نزد پروردگارشان باغ‌های همیشگی است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است جاودانه در آن همی مانند خدا از آنان خشنود است و [آنان نیز] از او خشنود این [پاداش] برای کسی است که از پروردگارش بترسد(۸)</p>	<p>بینه</p>

ادامه جدول ۱: بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی ام قرآن

مبانی معرفت شناسی(شماره آیه)	مبانی انسان شناسی (شماره آیه)	مبانی هستی شناسی(شماره آیه)	نام سوره
<p>تفاخر به بیشترداشتن شما را غافل داشت(۱) نه چنین است زودا که بدانید(۳) هرگز چنین نیست اگر علم‌الیقین داشتید(۵) سپس آن را قطعاً به عین‌الیقین درمی یابید(۷)</p>	<p>-----</p>	<p>به یقین دوزخ را می بینید(۶) سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهید شد(۸) تا کارت‌ان [و پایتان] به گورستان رسید (۲)</p>	<p>تک‌ویر</p>
<p>به کدامین گناه کشته شده است (۹) هر نفس بداند چه فراهم دیده پس به کجا می‌روید(۱۴)</p>	<p>این [سخن] بجز بندی برای عالمیان نیست(۲۷) برای هر یک از شما که خواهد به راه راست رود (۲۸)</p>	<p>آنگاه که خورشید به هم درپیچد(۱) و آنگه که ستارگان همی تیره شوند(۲) و آنگاه که کوهها به رفتار آیند(۳) وقتی شتران ماده وانهاده شوند(۴) و آنگه که وحوش را همی گرد آرند (۵) دریاها آنگه که جوشان گردند(۶) و آنگاه که جانها به هم درپیوندند (۷)</p>	<p>تکویر</p>

		<p>پرسند چو زان دخترک زنده به گور (۸) و آنگاه که نامه ها زهم بگشایند (۱۰) و آنگاه که آسمان زجا کنده شود (۱۱) و آنگاه که جحیم را برافروزانند (۱۲) و آنگاه که بهشت را فرا پیش آرند (۱۳) نه نه سوگند به اختران گردان (۱۵) [کز دیده] نهان شوند و از نو آیند (۱۶) سوگند به شب چون پشت گرداند (۱۷) سوگند به صبح چون دمیدن گیرد (۱۸) که [قرآن] سخن فرشته بزرگواری است (۱۹) نیرومند [که] پیش خداوند عرش بلندپایگاه است (۲۰) در آنجا [هم] مطاع [و هم] امین است (۲۱) و قطعا آن [فرشته وحی] را در افق رخشان دیده (۲۳) و او در امر غیب بخیل نیست (۲۴) و [قرآن] نیست سخن دیو رجیم (۲۵) و تا خدا پروردگار جهانها نخواهد [شما نیز] نخواهید خواست (۲۹)</p>	
--	--	--	--

ادامه جدول ۱: بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی ام قرآن

نام سوره	مبانی هستی شناسی (شماره آیه)	مبانی انسان شناسی (شماره آیه)	مبانی معرفت شناسی (شماره آیه)
تین	سوگند به انجیر و زیتون (۱) و طور سینا (۲) و این شهر امن (۳) [که] برستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم (۴) آیا خدا نیکوترین داوران نیست (۸)	سپس او را به پست ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم (۵) مگر کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده اند که پاداشی بی منت خواهند داشت (۶)	پس چه چیز تو را بعد [از این] به تکذیب جزا وامی دارد (۷)
زلزله	آنگاه که زمین به لرزش [شدید] خود لرزانیده شود (۱) و زمین بارهای سنگین خود را برون افکند (۲) آن روز است که [زمین] خبرهای خود را باز گوید (۴)	و انسان گوید [زمین] را چه شده است (۳) آن روز مردم [به حال] پراکنده بر آیند تا [نتیجه] کارهایشان به آنان نشان داده شود (۶) پس هر که هم وزن ذره ای	-----

	نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید(۷) و هر که هم‌وزن ذره ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید(۸)	[همان گونه] که پروردگارت بدان وحی کرده است(۵)	
و با اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور(۸)	[باری] که [گویی] پشت تو را شکست(۳) پس چون فراغت یافتی به طاعت درکوش(۷)	آیا برای تو سینه ات را ننگشاده ایم(۱) و بار گران‌ت را از [دوش] تو برداشتیم(۲) و نامت را برای تو بلند گردانیدیم(۴)	شرح
و تو چه دانی که کوبنده چیست(۳)	روزی که مردم چون پروانه[های] پراکنده گردند(۴) اما هر که سنجیده هایش سنگین برآید(۶) پس وی در زندگی خوشی خواهد بود(۷) و اما هر که سنجیده هایش سبک بر آید(۸)	و کوه ها مانند پشم زده شده رنگین شود(۵)	قارعه

ادامه جدول ۱: بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی ام قرآن

نام سوره	مبانی هستی شناسی(شماره آیه)	مبانی انسان شناسی (شماره آیه)	مبانی معرفت شناسی (شماره آیه)
شمس	سوگند به خورشید و تابندگی اش(۱) سوگند به ماه چون پی[خورشید] رود(۲) سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند(۳) سوگند به شب چو پرده بر آن پوشد(۴) سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت(۵) سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترده(۶) سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد(۷) سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد(۸) پس فرستاده خدا به آنان گفت زنهار ماده شتر خدا و [نوبت] آب خوردنش را [حرمت نهید](۹)	که هر کس آن را پاک گردانید قطعا رستگار شد(۹) و هر که آلوده اش ساخت قطعا درباخت(۱۰) [قوم] ثمود به سبب طغیان خود به تکذیب پرداختند(۱۱) آنگاه که شقی ترینشان بر[پا] خاست(۱۲) و[لی] دروغزش خواندند و آن [ماده شتر] را پی کردند و پروردگارشان به [سزای] گناهشان بر سرشان عذاب آورد و آنان را با خاک یکسان	-----

	کرد(۱۴) و از پیامد کار خویش بیمی به خود راه نداد(۱۵)		
-----	و اما [تو نیز به پاس نعمت ما] یتیم را میبازار(۹) و گدا را مران(۱۰) و از نعمت پروردگار خویش [با مردم] سخن گوی(۱۱)	سوگند به روشنایی روز(۱) سوگند به شب چون آرام گیرد(۲) [که] پروردگارت تو را وانگذاشته و دشمن نداشته است(۳) و قطعاً آخرت برای تو از دنیا نیکوتر خواهد بود(۴) و بزودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد تا خرسند گردی(۵) مگر نه تو را یتیم یافت پس پناه داد(۶) و تو را سرگشته یافت پس هدایت کرد(۷) و تو را تنگدست یافت و بی نیاز گردانید(۸)	ضحی

ادامه جدول ۱: بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی ام قرآن

نام سوره	مبانی هستی شناسی (شماره آیه)	مبانی انسان شناسی (شماره آیه)	مبانی معرفت شناسی (شماره آیه)
طارق	سوگند به آسمان و آن اختر شبگرد(۱) در حقیقت او [= خدا] بر بازگردانیدن وی بخوبی تواناست(۸) آن روز که رازها [همه] فاش شود(۹) سوگند به آسمان بارش انگیز(۱۱) سوگند به زمین شکافدار [آماده کشت] (۱۲) [که] در حقیقت قرآن گفتاری قاطع و روشنگر است(۱۳)	از آب جهنده ای خلق شده(۶) [که] از صلب مرد و میان استخوان‌های سینه زن بیرون می‌آید(۷) پس او را نه نیرویی ماند و نه یاری(۱۰) و [من نیز] دست به نیرنگ می‌زنم (۱۶) آنان دست به نیرنگ می‌زنند(۱۵) پس کافران را مهلت ده و کمی آنان را به حال خود واگذار(۱۷)	و تو چه دانی که اختر شبگرد چیست(۲) پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است(۵)
عادیات	در چنان روزی پروردگارشان به [حال] ایشان نیک آگاه است(۱۱)	که انسان نسبت به پروردگارش سخت ناسپاس است(۶) و او خود بر این [امر] نیک گواه است(۷) و راستی او سخت شیفته مال است(۸) مگر نمی‌داند که چون آنچه در گورهاست بیرون ریخته گردد(۹)	-----

عصر	سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل] (۱)	که واقعا انسان دستخوش زیان است (۲) مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند(۳)
-----	---------------------------------------	---

ادامه جدول ۱: بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی ام قرآن

نام سوره	مبانی هستی شناسی (شماره آیه)	مبانی انسان شناسی (شماره آیه)	مبانی معرفت شناسی (شماره آیه)
عبس	<p>به دست فرشتگانی(۱۵) او را از چه چیز آفریده است(۱۸) از نطفه‌ای خلقش کرد و اندازه مقررش بخشید(۱۹) سپس راه را بر او آسان گردانید(۲۰) آنگاه به مرگش رسانید و در قبرش نهاد (۲۱) سپس چون بخواهد او را برانگیزد(۲۲) که ما آب را به صورت بارشی فرو ریختیم (۲۵) آنگاه زمین را با شکافتنی [لازم] شکافتیم (۲۶) پس در آن دانه رویانیدیم(۲۷) پس چون فریاد گوش خراش دررسد(۳۳) روزی که آدمی از برادرش(۳۴) و از مادرش و پدرش(۳۵) و از همسرش و پسرانش می گریزد(۳۶) در آن روز هر کسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول می دارد(۳۷)</p>	<p>چهره در هم کشید و روی گردانید (۱) که آن مرد نابینا پیش او آمد(۲) یا پند پذیرد و اندرز سودش دهد(۴) اما آن کس که خود را بی نیاز می پندارد (۵) تو بدو می پردازی(۶) با آنکه اگر پاک نگردد بر تو [مسئولیتی] نیست(۷) و اما آن کس که شتابان پیش تو آمد(۸) در حالی که [از خدا] می ترسید(۹) تو از او به دیگران می پردازی(۱۰) تا هر که خواهد از آن پند گیرد(۱۲) کشته باد انسان چه ناسپاس است(۱۷) ولی نه هنوز آنچه را به او دستور داده به جای نیاورده است(۲۳) پس انسان باید به خوراک خود بنگرد(۲۴) در آن روز چهره هایی درخشانند(۳۸)</p>	<p>و تو چه دانی شاید او به پاکی گراید(۳) یا پند پذیرد و اندرز سودش دهد(۴)</p>

	خندان [و] شادانند (۳۹) و در آن روز چهره هایی است که بر آنها غبار نشسته (۴۰) آنان همان کافران بدکارند (۴۲)		
--	--	--	--

ادامه جدول ۱: بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی ام قرآن

نام سوره	مبانی هستی شناسی (شماره آیه)	مبانی انسان شناسی (شماره آیه)	مبانی معرفت شناسی (شماره آیه)
علق	بخوان به نام پروردگارت که آفرید (۱) انسان را از علق آفرید (۲) بخوان و پروردگار تو کریم ترین [کریمان] است (۳) همان کس که به وسیله قلم آموخت (۴) آنچه را که انسان نمی دانست [بتدریج به او] آموخت (۵) در حقیقت بازگشت به سوی پروردگار توست (۸) زهار اگر باز نایستد موی پیشانی [او] را سخت بگیریم (۱۵) [همان] موی پیشانی دروغزن گناه پیشه را (۱۶) بزودی آتش بانان را فرا خوانیم (۱۷)	حقا که انسان سرکشی می کند (۶) همین که خود را بی نیاز پندارد (۷) آیا دیدی آن کس را که باز می داشت (۹) بنده ای را آنگاه که نماز می گزارد (۱۰) چه پنداری اگر او بر هدایت باشد (۱۱) یا به پرهیزگاری وادارد [برای او بهرتر نیست] (۱۲) [و باز] آیا چه پنداری [که] اگر او به تکذیب پردازد و روی برگرداند [چه کفوری در پیش دارد] (۱۳) زهار فرمانش مبر و سجده کن و خود را [به خدا] نزدیک گردان (۱۹)	مگر ندانسته که خدا می بیند (۱۴)
غاشیه	[ناچار] در آتشی سوزان درآیند (۴) از چشمه ای داغ نوشانیده شوند (۵) در بهشت برین اند (۱۰) در آن چشمه ای روان باشد (۱۲) تخت هایی بلند در آنجاست (۱۳) و قدهایی نهاده شده (۱۴) و بالش هایی پهلوی هم [چیده] (۱۵) و فرش هایی [زربفت] گسترده (۱۶) که خدا او را به آن عذاب بزرگتر عذاب کند (۲۴) در حقیقت بازگشت آنان به سوی ماست (۲۵)	در آن روز چهره هایی زبونند (۲) که تلاش کرده رنج [بیهوده] برده اند (۳) در آن روز چهره هایی شادابند (۸) از کوشش خود خشنودند (۹) سخن بیهوده ای در آنجا نشنوند (۱۱) پس تذکر ده که تو تنها تذکردهنده ای (۲۱) مگر کسی که روی بگرداند و کفر ورزد (۲۳)	

		<p>آنگاه حساب [خواستن از] آنان به عهده ماست (۲۶)</p> <p>آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده (۱۷)</p> <p>و به آسمان که چگونه برافراشته شده (۱۸)</p> <p>و به کوه ها که چگونه برپا داشته شده (۱۹)</p> <p>و به زمین که چگونه گسترده شده است (۲۰)</p>
--	--	---

ادامه جدول ۱: بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی ام قرآن

نام سوره	مبانی هستی شناسی (شماره آیه)	مبانی انسان شناسی (شماره آیه)	مبانی معرفت شناسی (شماره آیه)
فجر	<p>سوگند به سپیده دم (۱)</p> <p>و به شبهای دهگانه (۲)</p> <p>و به جفت و تاق (۳)</p> <p>و به شب وقتی سپری شود (۴)</p> <p>[تا آنکه] پروردگارت بر سر آنان تازیانه عذاب را فرونواخت (۱۳)</p> <p>زیرا پروردگار تو سخت در کمین است (۱۴)</p> <p>نه چنان است آنگاه که زمین سخت در هم کوبیده شود (۲۱)</p> <p>و [فرمان] پروردگارت و فرشته [ها]</p> <p>صف درصاف آیند (۲۲)</p> <p>و جهنم را در آن روز [حاضر] آورند</p> <p>آن روز است که انسان پند گیرد و [لی]</p> <p>کجا او را جای پندگرفتن باشد (۲۳)</p> <p>پس در آن روز هیچ کس چون عذاب کردن او عذاب نکند (۲۵)</p> <p>و هیچ کس چون دریندکشیدن او دریند نکشد (۲۶)</p> <p>خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد (۲۸)</p> <p>و در بهشت من داخل شو (۳۰)</p>	<p>آیا در این برای خردمند [نیاز به] سوگندی [دیگر] است (۵)</p> <p>و در آنها بسیار تبهکاری کردند (۱۲)</p> <p>اما انسان هنگامی که پروردگارش وی را می آزماید و عزیزش می دارد و نعمت فراوان به او می دهد می گوید پروردگارم مرا گرامی داشته است (۱۵)</p> <p>و اما چون وی را می آزماید و روزی اش را بر او تنگ می گرداند می گوید پروردگارم مرا خوار کرده است (۱۶)</p> <p>ولی نه بلکه یتیم را نمی نوازید (۱۷)</p> <p>و بر خوراک [دادن] بینوا همدیگر را بر نمی انگیزید (۱۸)</p> <p>و میراث [ضعیفان] را چپاولگرانه می خورید (۱۹)</p> <p>و مال را دوست دارید دوست داشتنی بسیار (۲۰)</p> <p>گوید کاش برای زندگانی خود [چیزی] پیش فرستاده بودم (۲۴)</p> <p>پس در آن روز هیچ کس چون عذاب کردن او عذاب نکند (۲۵)</p> <p>و در میان بندگان من درآی (۲۹)</p>	<p>مگر ندانسته ای که پروردگارت با عاد چه کرد (۶)</p> <p>با عمارات ستون‌دار ارم (۷)</p>
معاون	-----	<p>این همان کس است که یتیم را بسختی می راند (۲)</p> <p>و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی کند (۳)</p>	<p>آیا کسی را که [روز] جزا را دروغ می خواند دیدی (۱)</p>

	پس وای بر نمازگزارانی (۴) که از نمازشان غافلند (۵) آنان که ریا می کنند (۶) و از [دادن] زکات [و وسایل و مایحتاج خانه] خودداری می ورزند (۷)	
--	---	--

ادامه جدول ۱: بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی ام قرآن

نام سوره	مبانی هستی شناسی (شماره آیه)	مبانی انسان شناسی (شماره آیه)	مبانی معرفت شناسی (شماره آیه)
لیل	سوگند به شب چون پرده افکند (۱) سوگند به روز چون جلوه گری آغازد (۲) و [سوگند به] آنکه نر و ماده را آفرید (۳) و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد (۶) بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت (۷) همانا هدایت بر ماست (۱۲) و در حقیقت دنیا و آخرت از آن ماست (۱۳) پس شما را به آتشی که زبانه می کشد هشدار دادم (۱۴) و هیچ کس را به قصد پاداش یافتن نعمت نمی بخشد (۱۹)	که همانا تلاش شما پراکنده است (۴) اما آنکه [حق خدا را] داد و پروا داشت (۵) و اما آنکه بخل ورزید و خود را بی نیاز دید (۸) و [پاداش] نیکوتر را به دروغ گرفت (۶) و چون هلاک شد [دیگر] مال او به کارش نمی آید (۱۱) جز نگون بخت تر [ین مردم] در آن در نیاید (۱۵) همان که تکذیب کرد و رخ برتافت (۱۶) و پاک رفتار تر [ین مردم] از آن دور داشته خواهد شد (۱۷) همان که مال خود را می دهد [برای آنکه] پاک شود (۱۸) جز خواستن رضای پروردگارش که بسی برتر است [منظوری ندارد] (۲۰) و قطعا بزودی خشنود خواهد شد (۲۱)	-----
مسد	بزودی در آتشی پرزبانه در آید (۳) بر گردنش طنابی از لیف خرماست (۵)	بریده باد دو دست ابولهب و مرگ بر او باد (۱) دارایی او و آنچه اندوخت سودش نکرد (۲) و زنش آن هیمه کش [آتش فروز] (۴)	-----

ادامه جدول ۱: بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی ام قرآن

نام سوره	مبانی هستی‌شناسی (شماره آیه)	مبانی انسان‌شناسی (شماره آیه)	مبانی معرفت‌شناسی (شماره آیه)
مطففین	<p>[در] روزی بزرگ (۵) روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پای ایستند (۶) زهی پندار که آنان در آن روز از پروردگارشان سخت محجوبند (۱۵) آنگاه به یقین آنان به جهنم درآیند (۱۶) سپس [به ایشان] گفته خواهد شد این همان است که آن را به دروغ می‌گرفتید (۱۷) [باده ای که] مهر آن مشک است و در این [نعمتها] مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی گیرند (۲۶) و ترکیبش از [چشمه] تسنیم است (۲۷) چشمه ای که مقربان [خدا] از آن نوشند (۲۸) و حال آنکه آنان برای بازرسی [کار]شان فرستاده نشده بودند (۳۳)</p>	<p>وای بر کم‌فروشان (۱) که چون از مردم پیمانه ستانند تمام ستانند (۲) و چون برای آنان پیمانه یا وزن کنند به ایشان کم دهند (۳) مگر آنان گمان نمی‌دارند که برانگیخته خواهند شد (۴) نه چنین است [که می‌پندارند] که کارنامه بدکاران در سجین است (۷) وای بر تکذیب‌کنندگان در آن هنگام (۱۰) آنان که روز جزا را دروغ می‌پندارند (۱۱) و جز هر تجاوزپیشه گناهکاری آن را به دروغ نمی‌گیرد (۱۲) نه چنین است بلکه آنچه مرتکب می‌شدند زنگار بر دل‌هایشان بسته است (۱۴) مقربان آن را مشاهده خواهند کرد (۲۱) براستی نیکوکاران در نعیم [الهی] خواهند بود (۲۲) بر تختها [نشسته] می‌نگرند (۲۳) از چهره‌هایشان طراوت نعمت [بهشت] را درمی‌یابند (۲۴) از باده ای مهر شده نوشانیده شوند (۲۵) [آری در دنیا] کسانی که گناه میکردند آنان را که ایمان آورده بودند به ریشخند می‌گرفتند (۲۹) و چون بر ایشان می‌گذشتند اشاره چشم و ابرو با هم رد و بدل میکردند (۳۰) و هنگامی که نزد خانواده [های] خود بازمی‌گشتند به شوخ طبعی می‌پرداختند (۳۱) و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند اینها [جماعتی] گمراهند (۳۲) و [لی] امروز مؤمنانند که بر کافران خنده می‌زنند (۳۴) بر تخت‌ها [ی خود نشسته] نظاره می‌کنند (۳۵) [تا ببینند] آیا کافران به پاداش آنچه میکردند رسیده‌اند (۳۶)</p>	<p>و تو چه دانی که سجین چیست (۸) [همان که] چون آیات ما بر او خوانده شود گوید [اینها] افسانه‌های پیشینیان است (۱۳) و تو چه دانی که علیون چیست (۱۹)</p>

ادامه جدول ۱: بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی ام قرآن

نام سوره	مبانی هستی شناسی (شماره آیه)	مبانی انسان شناسی (شماره آیه)	مبانی معرفت شناسی (شماره آیه)
نازعات	سوگند به فرشتگانی که [از کافران] به سختی جان ستانند (۱) و به فرشتگانی که جان [مؤمنان] را به آرامی گیرند (۲) و به فرشتگانی که [در دریای بی مانند] شناکان شناورند (۳) آن روز که لرزنده بلرزند (۶) و از پی آن لرزه ای [دگر] افتد (۷) آیا وقتی ما استخوان ریزه های پوسیده شدیم [زندگی را از سر می گیریم] (۱۱) و [لی] در حقیقت آن [بازگشت بسته به] یک فریاد است [و بس] (۱۳) و بناگاه آنان در زمین هموار خواهند بود (۱۴) آنگاه که پروردگارش او را در وادی مقدس طوی ندا درداد (۱۶) فیس معجزه بزرگ [خود] را بدو نمود (۲۰) و گفت پروردگار بزرگتر شما منم (۲۴) و خدا [هم] او را به کیفر دنیا و آخرت گرفتار کرد (۲۵) آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمانی که [او] آن را برپا کرده است (۲۷) سفقش را برافراشت و آن را [به] اندازه معین [درست کرد] (۲۸) و شبش را تیره و روزش را آشکار گردانید (۲۹) و پس از آن زمین را با غلتانیدن گسترده (۳۰) آبش و چراگاهش را از آن بیرون آورد (۳۱) و کوهها را لنگر آن گردانید (۳۲)	پس در پیشی گرفتن [در فرمان خدا] سبقت گیرنده اند (۴) در آن روز دل‌هایی سخت هراسانند (۸) و کار [بندگان] را تدبیر می‌کنند (۵) دیدگان آنها فرو افتاده (۹) گویند آیا [باز] ما به [مغاک] زمین برمی‌گردیم (۱۰) [و با خود] گویند در این صورت این برگشتی زیان آور است (۱۲) آیا سرگذشت موسی بر تو آمد (۱۵) به سوی فرعون برو که وی سر برداشته است (۱۷) و بگو آیا سر آن داری که به پاکیزگی گرایی (۱۸) و تو را به سوی پروردگارت راه نمایم تا پروا بداری (۱۹) و [لی فرعون] تکذیب نمود و عصیان کرد (۲۱) سپس پشت کرد [و] به کوشش برخاست (۲۲) و گروهی را فراهم آورد [و] ندا درداد (۲۳) در حقیقت برای هر کس که [از خدا] بترسد در این [ماجرا] عبرتی است (۲۶) پی آن کوشیده است به یاد آورد (۳۵) اما هر که طغیان کرد (۳۷) و زندگی پست دنیا را برگزید (۳۸) پس جایگاه او همان آتش است (۳۹) اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوس باز داشت (۴۰) تو فقط کسی را که از آن می ترسد هشدار می‌دهی (۴۵) روزی که آن را می بینند گویی که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده اند (۴۶)	در باره رستاخیز از تو می پرسند که فرارسیدنش چه وقت است (۴۲) تو را چه به گفتگو در آن (۴۳) علم آن با پروردگار تو است (۴۴)

		پس آنگاه که آن هنگامه بزرگ دررسد (۳۴) و جهنم برای هر که بیند آشکار گردد (۳۶) پس جایگاه او همان بهشت است (۴۱)
--	--	--

ادامه جدول ۱: بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی ام قرآن

نام سوره	مبانی هستی شناسی (شماره آیه)	مبانی انسان شناسی (شماره آیه)	مبانی معرفت شناسی (شماره آیه)
ناس	پادشاه مردم (۲) معبود مردم (۳) از شر وسوسه گر نهانی (۴) چه از جن و [چه از] انس (۶)	بگو پناه می برم به پروردگار مردم (۱) آن کس که در سینه های مردم وسوسه می کند (۵)	-----
نصر	چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد (۱)	و ببینی که مردم دسته دسته در دین خدا درآیند (۲) پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آمرزش خواه که وی همواره توبه پذیر است (۳)	-----
همزه	ولی نه قطعا در آتش خردکننده فرو افکنده خواهد شد (۴) آتش افروخته خدا [بی] است (۶) [آتشی] که به دلها می رسد (۷) و [آتشی که] در ستونهایی دراز آنان را در میان فرامی گیرد (۸) در ستون های کشیده و طولانی (۹)	وای بر هر بدگوی عیبجویی (۱) که مالی گرد آورد و برشمردش (۲) پندارد که مالش او را جاوید کرده (۳)	و تو چه دانی که آن آتش خردکننده چیست (۵)
کافرون	-----	بگو ای کافران (۱) آنچه می پرستید نمی پرستم (۲) و آنچه می پرستم شما نمی پرستید (۳) و نه آنچه پرستیدید من می پرستم (۴) و نه آنچه می پرستم شما می پرستید (۵) دین شما برای خودتان و دین من برای خودم (۶)	-----
کوثر	ما تو را [چشمه] کوثر دادیم (۱)	پس برای پروردگارت نماز گزار و	-----

	قربانی کن(۲) دشمنت خود بی تبار خواهد بود (۳)	
--	---	--

ادامه جدول ۱: بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء سی ام قرآن

نام سوره	مبانی هستی شناسی (شماره آیه)	مبانی انسان شناسی (شماره آیه)	مبانی معرفت شناسی (شماره آیه)
نبأ	از آن خبر بزرگ(۲) آیا زمین را گهواره ای نگردانیدیم(۶) و کوه‌ها را [چون] میخ‌هایی [نگذاشتیم](۷) و شما را جفت آفریدیم(۸) و خواب شما را [مایه] آسایش گردانیدیم(۹) و شب را [برای شما] پوششی قرار دادیم(۱۰) و روز را [برای] معاش [شما] نهادیم (۱۱) و بر فراز شما هفت [آسمان] استوار بنا کردیم(۱۲) و چراغی فروزان گذاردیم(۱۳) و از ابرهای متراکم آبی ریزان فرود آوردیم(۱۴) تا بدان دانه و گیاه برویانیم(۱۵) و باغ‌های در هم پیچیده و انبوه(۱۶) قطعا وعدگاه [ما با شما] روز داوری است(۱۷) روزی که در صور دمیده شود و گروه گروه بیایند(۱۸) و آسمان گشوده و درهایی [پدید] شود(۱۹) و کوه‌ها را روان کنند و [چون] سرابی گردند(۲۰) [آری] جهنم [از دیر باز] کمینگاهی بوده(۲۱) روزگاری دراز در آن درنگ کنند(۲۳) در آنجا نه خنکی چشند و نه شربتی(۲۴) جز آب جوشان و چرکابه ای(۲۵) کیفری مناسب [با جرم آنها](۲۶) و حال آنکه هر چیزی را برشمرده [به صورت] کتابی در آورده ایم(۲۹) باغچه ها و تاکستان‌ها(۳۲) در آنجا نه بیهوده ای شنوند و نه [یکدیگر را] تکذیب [کنند](۳۵) [این است] پاداشی از پروردگار تو عطایی از روی حساب(۳۶)	درباره چه چیز از یکدیگر می پرسند(۱) که در باره آن با هم اختلاف دارند(۳) نه چنان است به زودی خواهند دانست(۴) باز هم نه چنان است بزودی خواهند دانست(۵) [که] برای سرکشان بازگشتگاهی است(۲۲) آنان بودند که به [روز] حساب امید نداشتند(۲۷) و آیات ما را سخت تکذیب میکردند(۲۸) پس بچشید که جز عذاب هرگز [چیزی] بر شما نمی افزاییم(۳۰) مسلمما پرهیزگاران را رستگاری است(۳۱) و دخترانی همسال با سینه های برجسته(۳۳)	-----

		<p>پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است بخشایشگری که کس را یارای خطاب با او نیست (۳۷)</p> <p>روزی که روح و فرشتگان به صف می ایستند و [مردم] سخن نگویند مگر کسی که [خدای] رحمان به او رخصت دهد و سخن راست گوید (۳۸)</p> <p>آن [روز] روز حق است پس هر که خواهد راه بازگشتی به سوی پروردگار خود بجوید (۳۹)</p> <p>ما شما را از عذاب‌های نزدیک هشدار دادیم روزی که آدمی آنچه را با دست خویش پیش فرستاده است بنگرد و کافر گوید کاش من خاک بودم (۴۰)</p>
--	--	--

یافته‌ها

باتوجه به پژوهش انجام شده اکنون به بررسی یافته‌های این مقاله خواهیم پرداخت. در جدول شماره ۲ آمار مبانی انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در هر سوره مشخص شده است.

جدول شماره ۲. بررسی آماری مبانی انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی در جزء سی‌ام قرآن

سوره	هستی‌شناسی	معرفت‌شناسی	هستی‌شناسی	مجموع
اخلاص	۴	۰	۰	۴
اعلی	۸	۰	۹	۱۷
انشقاق	۱۲	۲	۹	۲۳
انفطار	۱۳	۳	۳	۱۹
بروج	۱۲	۳	۳	۱۸
بلد	۳	۷	۷	۱۷
بینه	۳	۱	۴	۸
تکائر	۳	۵	۰	۸
تکویر	۲۳	۴	۱	۲۸
تین	۵	۱	۲	۸
زلزله	۴	۰	۴	۸
شرح	۳	۱	۲	۶
شمس	۹	۰	۶	۱۵
ضحی	۸	۰	۳	۱۱
طارق	۶	۲	۶	۱۴

۵	۴	۰	۱	عادیات
۳۳	۱۷	۲	۱۴	عبس
۳	۲	۰	۱	عصر
۱۸	۸	۱	۹	علق
۲۲	۷	۰	۱۵	غاشیه
۲۶	۱۱	۲	۱۳	فجر
۵	۰	۰	۵	فلق
۵	۰	۰	۵	فیل
۶	۴	۱	۱	قارعه
۳	۱	۰	۲	قدر
۳	۱	۰	۲	قریش
۲۰	۱۱	۰	۹	لیل
۷	۶	۱	۰	ماعون
۵	۳	۰	۲	مسد
۳۳	۲۱	۳	۹	مطففین
۴۵	۲۱	۳	۲۱	نازعات
۶	۲	۰	۴	ناس
۳۹	۱۰	۰	۲۹	نبا
۳	۲	۰	۱	نصر
۹	۳	۱	۵	همزه
۶	۶	۰	۰	کافرون
۳	۲	۰	۱	کوثر
۵۰۹	۲۰۱	۴۳	۲۶۵	مجموع

۱. کدام یک از مبانی بیشترین فراوانی را دارد؟

با توجه به جدول شماره ۲ در جزء سی قرآن کریم بیشترین فراوانی را هستی‌شناسی با تعداد ۲۶۵ مورد دارا می‌باشد که نشان دهنده آن است در جز سی قرآن بیشتر به مباحث هستی‌شناسی پرداخته شده است.

۲. کدام یک از مبانی کم‌ترین فراوانی را دارد؟

با توجه با آمار بدست آمده در سوره‌های جزء سی قرآن کریم کمترین فراوانی را معرفت‌شناسی دارد. یعنی در جزء سی قرآن کمتر به مواردی همچون علم و شناخت و موانع وجود در دسترسی به شناخت و... اشاره شده است.

۳. کدام سوره بیشترین فراوانی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت را دارد؟
با توجه به جدول شماره ۲ بیشترین فراوانی را سوره نازعات با ۴۵ مورد از هر سه مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی دارد.
۴. کدام سوره کمترین فراوانی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت را دارد؟
با توجه به آمار بدست آمده سوره اخلاص با ۴ مورد از هر سه مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی کمترین فراوانی را دارد.
۵. کدام سوره بیشترین مورد هستی‌شناسی را دارد؟
طبق جدول شماره ۲ سوره نبأ با فراوانی ۲۹ بیشترین مورد هستی‌شناسی را دارد که نشان دهنده این است که این سوره بیشتر به مباحث هستی‌شناسی پرداخته است.
۶. کدام سوره کمترین مورد هستی‌شناسی را دارد؟
با توجه به آمار بدست آمده سوره‌های کافرون و ماعون بدون فراوانی هستی‌شناسی کمترین مورد را دارا می‌باشند. همچنین سوره‌های عادیات، کوثر، نصر، عصر و قارعه با فراوانی ۱ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.
۷. کدام مورد بیشترین فراوانی معرفت‌شناسی را دارد؟
طبق جدول شماره ۲ سوره بلد با فراوانی ۷ بیشترین مورد معرفت‌شناسی را دارد که نشان دهنده این است که این سوره بیشتر به مباحث معرفت‌شناسی پرداخته است.
۸. کدام سوره کمترین فراوانی معرفت‌شناسی را دارد؟
با توجه به آمار بدست آمده سوره‌های کوثر، کافرون، نصر، نبا، ناس، مسد، لیل، قریش، قدر، فیل، فلق، غاشیه، عصر، عادیات، ضحی، شمس، زلزله، اعلی و اخلاص بدون فراوانی کمترین مورد را دارند.
۹. کدام سوره بیشترین فراوانی انسان‌شناسی را دارد؟
با توجه به جدول شماره ۲ بیشترین فراوانی را سوره نازعات با ۲۱ مورد دارد که نشان می‌دهد در این سوره بیشتر به مباحث انسان‌شناسی پرداخته شده است.
۱۰. کدام سوره کمترین فراوانی انسان‌شناسی را دارد؟

با توجه به آمار بدست آمده سوره‌های اخلاص، فلق، تکاثر و فیل بدون فراوانی کمترین مورد را دارا می‌باشد.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، نهاد تعلیم و تربیت است؛ نهادی که عهده‌دار تعلیم و تربیت و به فعلیت رساندن استعدادهای انسان‌ها و تربیت نیروهای توانمند و مهذب برای اداره جامعه دینی است. به فعلیت رساندن استعدادهای انسان، زمانی میسر است که دانش تعلیم و تربیت اسلامی، علمی، منسجم و براساس دین شکل گرفته باشد.

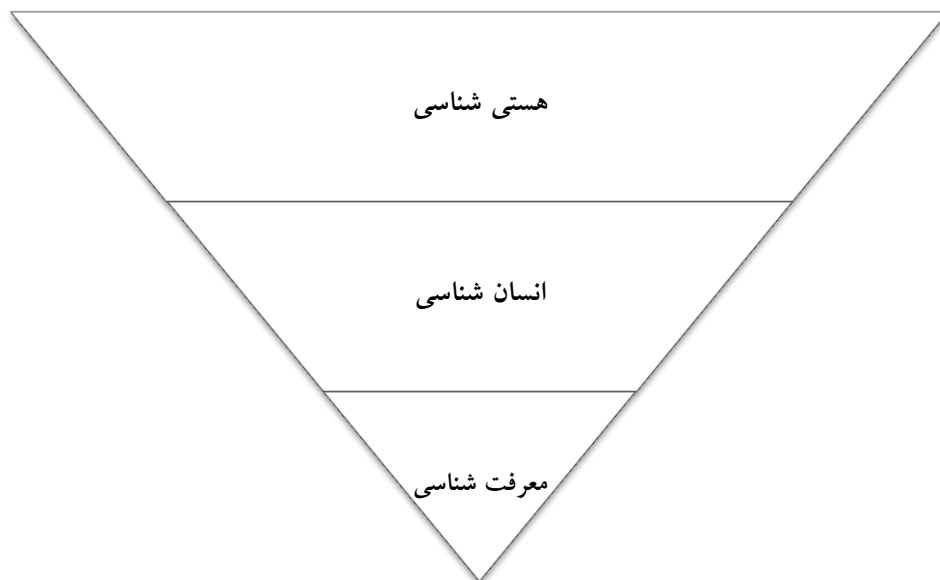
بر این اساس شناخت فلسفه و تاریخ تربیت ضروری به نظر می‌رسد. مطالعات فلسفه تربیت می‌تواند در بافت تعلیم و تربیت به عنوان یک موسسه اجتماعی، فرهنگی یا در معنای وسیع‌تر به عنوان فرایند رشد وجودی انسانی، یعنی چگونگی تعبیر فهم آدمی از جهان (مثلاً، فهم واقعیت‌های عینی، عادات اجتماعی، تاریخ و فرهنگ و حتی عواطف ما) باشد. لذا شناخت مبانی و اصول فلسفه تربیت با توجه به اهمیت آن امری بدیهی می‌باشد.

در کشور ما ایران مبانی و اهداف تعلیم و تربیت باید بر اساس آموزه‌های دینی ما شکل بگیرد. در واقع به فعلیت رساندن استعدادهای انسان، زمانی میسر است که دانش تعلیم و تربیت اسلامی، علمی، منسجم و براساس دین و آموزه‌های قرآنی شکل گرفته باشد. در این پژوهش به بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در جزء ۳۰ قرآن کریم پرداخته شده است. جز آخر قرآن کریم ۳۷ سوره دارد که در این پژوهش سه مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی در تک تک آیات سوره‌های جزء ۳۰ مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته‌اند. نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که در جزء سی قرآن کریم بیشترین فراوانی را به ترتیب هستی‌شناسی با تعداد ۲۶۵ مورد، انسان‌شناسی با ۲۰۱ مورد و معرفت‌شناسی با ۴۳ مورد دارا می‌باشند که نشان دهنده آن است که جزء سی قرآن بیشتر به مباحث هستی‌شناسی پرداخته شده است.

همچنین بیشترین فراوانی را سوره نازعات با ۴۵ مورد از هر سه مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی دارد و سوره اخلاص با ۴ مورد از هر سه مبانی هستی‌شناسی

و معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی کمترین فراوانی را دارد. در بحث هستی‌شناسی سوره نبأ با فراوانی ۲۹ بیشترین مورد و سوره‌های کافرون و ماعون بدون فراوانی هستی‌شناسی کمترین مورد را دارا می‌باشند. در بحث معرفت‌شناسی نیز سوره بلد با فراوانی ۷ بیشترین مورد و سوره‌های کوثر، کافرون، نصر، نبأ، ناس، مسد، لیل، قریش، قدر، فیل، فلق، غاشیه، عصر، عادیات، ضحی، شمس، زلزله، اعلی و اخلاص بدون فراوانی کمترین مورد را دارند و آخرین مورد که مربوط به انسان‌شناسی می‌باشد با توجه به یافته‌های پژوهش بیشترین فراوانی را سوره نازعات با ۲۱ مورد و سوره‌های اخلاص، فلق، تکوین و فیل بدون فراوانی کمترین مورد را دارا می‌باشند. با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که در جزء ۳۰ قرآن کریم و در ۳۷ سوره آن، بیشتر تاکید بر مسائل هستی‌شناسی و انسان‌شناسی علی‌الخصوص هستی‌شناسی می‌باشد که در نمودار شماره ۱ ترتیب مبانی بر اساس درجه تاکید که در جزء ۳۰ قرآن مورد توجه قرار گرفته، نشان داده شده است.

نمودار شماره ۱. ترتیب مبانی بر اساس درجه تاکید در جزء ۳۰ قرآن کریم



با توجه به نمودار فوق در جزء ۳۰ بیشترین تاکید بر هستی‌شناسی دارد که نشان دهنده اولویت این امر بر سایر مبانی است. یعنی در این جز ابتدا مسائل مربوط به خدا، جهان

هستی، خالقیت و نظام آفرینش و ... مورد توجه قرار گرفته است. سپس بحث از انسان و انسان‌شناسی که در درجه بعدی قرار می‌گیرد و در نهایت کمترین فراروانی و درجه تاکید مربوط به مسائل شناخت و علم و مباحث مربوط به معرفت‌شناسی می‌باشد که در جزء ۳۰ قرآن کریم آمده است.

منابع

قرآن کریم

- امیر امینی خلف لو، مهناز (۱۳۹۷). بررسی تعلیم و تربیت و رابطه آن با دیدگاه‌های مختلف فلسفی، *سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی*، علوم تربیتی و رفتاری: تهران
- ایمانی، محسن، و کیلی، نجمه، مرحبا، سمیه (۱۳۹۹). نگرشی تطبیقی بر مبانی انسان‌شناسی تعلیم و تربیت از دیدگاه هایدگر و صدرالمآلهین، *معرفت فلسفی*، شماره ۴، دوره ۶۸: ۱۱۴-۱۰۱.
- باقری، خسرو (۱۳۹۹). نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
- جاننی پور، محمد (۱۳۹۰). *اخلاق در جنگ*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- حیبی، رضا (۱۳۹۵). مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، *حکمت اسرا*، سال هفتم، شماره ۳: ۹۷-۶۷.
- حمیدزاده، محمدصادق، ملکی، حسن، بهشتی، سعید (۱۳۹۵). مبانی قرآنی معرفت‌شناسی برنامه‌درسی تربیت سیاسی، *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، سال چهارم، شماره نهم: ۴۹-۷۳.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸). در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها، موضوع اسلامی شدن دانشگاه‌ها. دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۲). *لغت نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- رشیدی، شیرین (۱۳۹۸). مبانی و آثار تربیت انسان منظم از منظر فلسفه تعلیم و تربیت قرآن بنیان، *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، سال ۷، شماره ۱۲: ۲۴-۵.
- ریویر، کلود (۱۳۷۹). *درآمدی بر انسان‌شناسی*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نی.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۹۲). *اصول و مبانی آموزش و پرورش*، مشهد: آستان قدس رضوی
- شمس مفرحه، سیدکاظم، ایروانی، شهین، شفیعی جم، محمدرضا، یاری قلی، بهبود (۱۳۹۷). تحلیل مفهوم، مبانی، اهداف و اصول عدالت تربیتی از منظر شهید مطهری، *پژوهش در مسائل تربیت و تربیت اسلامی*، سال ۲۶، شماره ۴۱: ۲۸-۵.

- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- غلامی، ناصر، مریوانی، قدرت‌الله (۱۴۰۰). نگاهی به مبانی تعلیم و تربیت دانش‌آموزان با نیاز ویژه از منظر قرآن، *مطالعات علوم قرآن*، دوره ۳، شماره ۳: ۱۳۸-۱۶۹.
- کرپیندورف، کلوس (۱۳۷۳). *مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا*، ترجمه هوشنگ نائینی، تهران: انتشارات روش.
- کامیاب، فاطمه (۱۳۹۷). مهم‌ترین روش‌های تربیت از دیدگاه قرآن کریم، *مطالعات دین پژوهی*، سال دوم، شماره سوم: ۲۱-۶۰.
- معین، محمد (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی*، تهران، سرایش.
- ناصر، علی احمد، اسدی، مجید (۱۳۹۵). انسان‌شناسی در اندیشه امام خمینی، *پژوهشنامه متین*، سال هجده، شماره هفتاد و یکم: ۱۲۹-۱۴۳.

Examining the philosophical foundations of education in the 30th part of the Qur'an

Amirhossein Soltani Falah¹, Mohammad Baqeri Dadokalai²

Abstract

The purpose of this research is to investigate the philosophical foundations of education in the 30 chapters of the Holy Quran. The present research method is analytical-descriptive, and using the method of content analysis, the philosophical foundations of education and training have been investigated in 30 verses of the Holy Quran. The research community of the Holy Quran and the sample of the present research is only 30 Qurans. Due to the sensitivity of the subject, all 37 surahs and individual verses have been analyzed and investigated. The findings of the research show that the three bases of ontology, anthropology and epistemology have the highest frequency with 43, 201, 265 cases respectively. Also, Surah Nazaat has the most frequency with 45 items and Surah Ikhlas has the lowest frequency with 4 items out of all three foundations of ontology, epistemology and ontology. In the discussion of ontology, Surah Naba with the frequency of 29 has the most cases, and Surahs Kafroon and Ma'un have the least number of cases without the frequency of ontology. In the discussion of epistemology, Surah Balad has the highest frequency of 7, and Surahs Kausar, Kafurun, Nasr, Naba, Nas, Masad, Leil, Quraysh, Qadr, Fil, Falaq, Ghashiyyah, Asr, Adityat, Zuhi, Shams, Zelzaleh, Ala and Ikhlas. Without frequency, they have the least number of cases, and the last case, which is related to anthropology, according to the findings of the research, Surah Nazaat has the most frequency with 21 cases, and Surahs of Ikhlas, Falaq, Takhar, and Fil have the least number of cases without frequency. According to the findings, it can be concluded that in the 30th part of the Holy Quran, the most emphasis is on the issues of ontology and anthropology, especially ontology, and epistemology is the least emphasized.

Key words: Holy Quran, part 3, philosophical foundations, education and training

¹. PhD student in the field of P Mohammad Baqer Dadokalai hilosophy of Education, Shahid University, Tehran

². Bachelor's student in Educational Sciences, Farhangian University, Sari